

# بیفتید اشتباه شد!

قصه‌ی تصویری



طرح: مصطفی احمدی  
تصویرگر: محمدامین دریانوردی

نرگس نیرومند





۸ لیلا باز هم امتحان املایش را خوب نداده است؟

۷

۶

حفظ کردن دیکته‌ی کلمه‌ها خیلی سخت است. کلمه‌ها در مغزم پرنده پر می‌زنند و می‌روند. احساس خیلی بدی دارم.



۱۱ لیلا جانم، برای چه ناراحتی؟

۱۰

۹

کجا می‌روی لیلا؟

چقدر کارم زشت بود. نباید به خاطر نمره‌ی املایم آن قدر جلوی او خوش حالی می‌کردم. باید از دل او در بیاورم.

۱۳

راستی با اینکه ریاضی لیلا خیلی خوب است و ضرب‌ها را مثل فرفره یاد می‌گیرد، اما هیچ وقت مغرور نمی‌شود و به بقیه پز نمی‌دهد.

۱۲



۱۴

لیلای قشنگم، تو املا در مغزت نمی رود، من هم ریاضی! اینکه ناراحتی ندارد. هر دوی ما کمی خنگ هستیم!

۱۵



۱۶

۱۷

اصلاً بیا یک کاری کنیم! از مامان و بابایت اجازه بگیر و امروز بیا خانه‌ی ما! تو کمک کن من ضرب را حفظ کنم، من هم کمکت می کنم درست نوشتن کلمه‌ها را یاد بگیری!

توی راه شیر کاکائو هم می خریم!

اگر پدر و مادرم اجازه بدهند، دوست دارم بیایم!



۱۸

من که فکر نمی کنم درس بخوانیم! عوضش شیر کاکائو می خوریم!



امام حسن عسکری (ع): شادی کردن جلوی کسی که غمگین است، خلاف ادب است.